

پول دیجیتال ملی و سیاست‌گذاری در پول‌های دیجیتال

سخنران:

دکتر محمدسعید شادکار (مدرس دانشگاه، مشاور طراحی ساز و کار، تنظیم‌گری و خدمات بانکی)

اعضای پنل:

محمدرضا مانی یکتا (معاون اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی)

سیدمهدی بنی‌طبا (معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

دکتر مهدی نوری (مدرس دانشگاه تهران)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

۱۴۰۰/۱۲/۰۲

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ‌وجه منعکس‌کننده نظر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.



نکات اصلی

- با گسترش فناوری اطلاعات، ایده پول دیجیتال یا مجازی با هدف تسهیل امور مالی، جایگزینی واسطه‌های بدکردار مانند بانک‌ها و عدم کنترل توسط نهادهای حاکمیتی مانند بانک مرکزی شکل گرفت. اما این پدیده حاکمیت پولی کشورها را با خطر جدی مواجه کرده است و نهادهای پولی و بانکی بین‌المللی و کشورها را به فکر طراحی پول دیجیتال بانک مرکزی انداخته است.
- در دنیا بانک‌های مرکزی زیادی مانند بانک مرکزی سوئد و جمهوری خلق چین با اهداف مختلف به سمت ایجاد پول دیجیتال گام برداشته‌اند و طراحی‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و در طی این سال‌ها طراحی‌های آن‌ها دستخوش تغییر نیز شده است. امروزه بانک‌های مرکزی از فضای رمزپول و زنجیره بلوک و ... فاصله گرفته و تمرکز آن‌ها بر کارکرد پول دیجیتال بیشتر شده است.
- بانک مرکزی ایران نیز در طول دو سال گذشته بی‌تحرك نبوده است و کارگروه‌های مختلفی را برای رصد فضای رمزپول‌ها و توسعه زیرساخت‌های نظارتی و پایش تراکنش‌های این فضا تشکیل داده است و این کارگروه‌ها تا جایی که ظرفیت فعلی قانون اجازه می‌دهد وظایف محوله را پیگیری می‌کنند.
- به نظر می‌رسد رویکرد فعلی بانک مرکزی به رمزریال یک رویکرد با غلبه فنی است و باید ابعاد اقتصادی این موضوع که بسیار مهمتر است بیشتر بررسی شود.
- باید توجه داشت که در سیاست‌گذاری، رویکرد آزادی و رسمیت بخشی کامل بدون نظارت و تنظیم‌گری مناسب و رویکرد سلبی و اعمال محدودیت‌های شدید، دو رویکرد با پیامدهای منفی هستند. رویکرد مناسب در مواجهه با دارایی‌های دیجیتال، رویکرد تنظیم‌گری راهبردی با نقش فعالانه در نظارت است.

نشست "پول دیجیتال ملی و سیاست‌گذاری در پول‌های دیجیتال" با سخنرانی آقای دکتر محمدسعید شادکار (مدرس دانشگاه، مشاور طراحی ساز و کار، تنظیم‌گری و خدمات بانکی) و آقایان محمدرضا منی یکتا (معاون اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی)، سیدمهدی بنی‌طبا (معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی) و دکتر مهدی نوری (مدرس دانشگاه تهران) به عنوان عضو پنل و با شرکت جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۲ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی

در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم که بازار پول‌های دیجیتال و زیرمجموعه‌ای از آن یعنی رمزارزها در کل دنیا به بحث داغی تبدیل شده است و بخشی از مردم به خرید و نگهداری این پول‌ها اقبال نشان داده‌اند. پول‌های دیجیتال، برخلاف پول‌های سنتی، در اختیار بانک‌های مرکزی نیستند و شاید وجه اشتراک همه آن‌ها ویژگی غیرمتمرکز بودن در تولید و عرضه است. از منظر سیاست‌گذاری در این زمینه دو نکته وجود دارد. اول اینکه در عرصه سیاست‌گذاری پولی، سیاست‌گذار چه رویکردی را باید در قبال این پول‌های دیجیتال نوظهور اتخاذ کند و چطور تنظیم‌گری خود را که قبلاً کاملاً در حوزه اختیاراتش بود به این حوزه جدید و نوظهور گسترش دهد. نکته دوم این است که به تازگی کشورها به سمت ایجاد پول‌های دیجیتال ملی که در تسلط بانک مرکزی خود باشند حرکت کرده‌اند. این یک مسئله سیاست‌گذاری است و سؤالاتی نیز پیرامون آن مطرح است. سؤالاتی از قبیل این که چه لزومی برای ایجاد پول دیجیتال ملی هست و این کار چه مزایایی دارد؟ آیا صرفاً برای عقب نماندن از یک روند جهانی است یا به سیاست‌گذاری‌های پولی کمک کرده و دست سیاست‌گذار را بازتر می‌کند و فوایدی حقیقی در اقتصاد دارد؟ در این نشست به این دو جنبه از سیاست‌گذاری در زمینه پول دیجیتال پرداخته می‌شود.

دکتر محمدسعید شادکار

با گسترش فناوری اطلاعات، ایده پول دیجیتال یا مجازی با هدف تسهیل امور مالی، جایگزینی واسطه‌های بدکردار مانند بانک‌ها و عدم کنترل توسط نهادهای حاکمیتی مانند بانک مرکزی شکل گرفت. بانک‌های مرکزی با چالش‌هایی نظیر کاهش قدرت، عدم شفافیت و نظارت مناسب، بی‌ثباتی مالی و عدم کنترل تورم، کاهش سهم اسکناس و چالش مدیریت هزینه تراکنش‌های خرد، روبرو هستند. نظام بانکی نیز با چالش‌هایی همچون حجم بالای معوقات بانکی، تعداد زیاد شعب، بنگاه‌داری و املاک مازاد، نظام کارمزدی، رقابت مخرب بر سر جذب سپرده، عدم خلاقیت و موانع ورود بر سر بازیگران جدید، حجم و هزینه زیاد تراکنش‌های خرد و در نهایت، کنترل پولشویی مواجه است. رمزپول‌ها و پول‌های دیجیتال که به صورت غیرمتمرکز و بدون پشتوانه حکومتی و دولتی بودند برای ایجاد تحول و در پاسخ به چالش‌های موجود در نظام پولی و بانکی بوجود آمدند.

ادامه اقبال به پول‌های دیجیتال، موجب تضعیف شدید حاکمیت پولی کشورها می‌شود. بنابراین بانک جهانی، بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی و بسیاری از نهادهای بین‌المللی بر توجه بانک‌های مرکزی به پول دیجیتال بانک مرکزی تأکید دارند. آن‌ها با توجه به درس‌های بحران مالی جهانی، راهکارهای نهایی ارائه شده در ادبیات قاعده‌گذاری و تنظیم‌گری و مدیریت نوآوری‌های مالی، سعی در بهبود نظام بانکداری دارند. بهترین سناریو برای پول دیجیتال بانک مرکزی آن است که تمرکز بانک

پول دیجیتال ملی و سیاست‌گذاری در پول های دیجیتال

مرکزی بر مدیریت انتشار پول دیجیتال و تنظیم‌گری باشد و بقیه امور مانند توزیع، ارائه خدمات پرداخت و ابزار کاربری در اختیار بازیگران دیگر قرار گیرد.

در چنین ساختاری، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای و بانک‌های مرکزی مانند بانک مرکزی انگلستان منافعی را در استفاده از پول دیجیتال برشمرده‌اند. انتظار می‌رود که این ساختار، یک سیستم پرداخت پایدار را تامین کند، یک سری از ریسک‌هایی که این پول‌های جدید دارند کنترل کند، رقابت را در حوزه پرداخت بهبود بخشد، نیازهای آتی مردم را پاسخگو باشد، در دسترس بودن و قابل استفاده بودن پول‌های بانک‌های مرکزی را تقویت کند، تبعات کاهش اسکناس و مسکوکات و افزایش تراکنش‌های خرد را تا حدودی پوشش دهد و در تراکنش‌های بین‌کشوری و فرامرزی هم مورد استفاده قرار بگیرد.

اما معرفی پول دیجیتال بانک مرکزی می‌تواند با چالش‌هایی هم همراه باشد. یکی از آن‌ها این است که اگر پول دیجیتال در همان معرفی اولیه‌اش خیلی جذاب باشد می‌تواند ثبات مالی را بر هم بزند و منجر به هجوم بانکی شود. چون بانک‌های تجاری همیشه در معرض ورشکستگی هستند، این جذابیت بانک مرکزی می‌تواند منجر به خارج شدن سپرده‌ها از بانک‌های تجاری شده و منابع کم‌هزینه بانک‌ها کم شود و سود سپرده‌ها افزایش یابد. این وضعیت، واسطه‌گری بانک‌ها را تضعیف می‌کند و کاهش تقاضای تسهیلات را به دنبال خواهد داشت.

در دنیا بانک‌های مرکزی زیادی مانند بانک مرکزی سوئد و جمهوری خلق چین با اهداف مختلف به سمت ایجاد پول دیجیتال گام برداشته‌اند و طراحی‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و در طی این سال‌ها طراحی‌های آن‌ها دستخوش تغییر نیز شده است. امروزه بانک‌های مرکزی از فضای رمزپول و زنجیره بلوک و ... فاصله گرفته و تمرکز آن‌ها بر کارکرد پول دیجیتال بیشتر شده است.

در کشور ما نیز بانک مرکزی به موضوع پول دیجیتال توجه کرده است. اما باید دید که وضعیت به چه صورت است و چه اقداماتی انجام گرفته است. بانک مرکزی ملاحظات در مورد حاکمیت پولی دارد و نگران است که با شیوع رمزپول‌ها مقررات پولشویی نادیده گرفته شود، همچنین ملاحظات دیگری مانند بحث مالیات، رشوه و فرصت‌های دور زدن تحریم‌ها را در نظر دارد. باید بررسی کرد که آیا پاسخ‌ایجابی که بانک مرکزی به این پدیده داده و تعبیرهای دیگری که از طرف بانک مرکزی خودمان شنیده می‌شود منجر به کنترل و ایجاد یک چشم‌انداز روشن برای کنترل این فضا شده یا موجب دمیدن آتش به رمزپول‌ها شده است تا بحث رمزپول‌ها روز به روز در رسانه‌ها بیشتر مطرح شود. همچنین بانک مرکزی در این حوزه با موضوعاتی از قبیل چالش تراکنش‌های خرد، کاهش قدرت بانک مرکزی، مقابله با رمزپول‌ها، تجربه کاربری مردم، راهکار جایگزین روز مبادا، بهبود شمول مالی، بهبود ثبات مالی و بهبود نظارت بانکی روبرو است. باید دید اهدافی که بانک مرکزی در طراحی پول دیجیتال بانک مرکزی دارد چیست؟ و اگر کل اقدامات بانک مرکزی را در نظر بگیریم، این مجموعه از کارها در آن پازل بزرگ چه جایگاه و هماهنگی و تناسبی دارد؟

نکته بعدی، رویکرد رسانه‌ای بانک مرکزی است. از رئیس کل محترم گرفته تا سایر مسئولان بانک مرکزی چگونه به مردم این موضوع را توضیح داده‌اند؟ آیا پرداختن به جنبه رمزی بودن این پول دیجیتال دلیل و کارکرد خاصی دارد؟ آیا برای شفاف‌سازی خواستند که عموم مردم را در نظر بگیرند و از تبعات و جنبه‌های مثبت و منفی ارتباط مستقیم با عموم مردم و رسانه‌ها آگاه هستند؟ خیلی از کشورهای دنیا این روش را در نظر نگرفتند و در طراحی آن به نظر کارشناسان توجه می‌کنند.

برای جمع‌بندی، چند مسئله اساسی در این حوزه داریم. مهمترین چیزی که در این حوزه باید توجه کنیم این است که این اتفاقات و تحولات را نباید فقط به جنبه فناوری نگاه کنیم و فکر کنیم که ما حتماً باید از فناوری‌های نوین استفاده کنیم و اگر

استفاده نکنیم احتمالاً از بازار عقب می‌افتیم. مهم این است که بانک مرکزی نگرش خود را عوض کند و سعی کند حاکمیت پولی را احیا کند و فناوری‌ها هم باید در راستای آن هدف بکار گرفته شوند. در فناوری‌های بکار گرفته شده در بسیاری از کشورها مانند چین که انتظار می‌رفت مبتنی بر بلاکچین باشد، مشخص شد که به کلمه بلاکچینی بودن زیرساخت مورد استفاده اصلاً اشاره نشده و از جنبه کاربری نهایی هم جنبه بلاکچینی وجود ندارد و در خیلی از مدل‌هایی که کشورها پیشنهاد کردند تأکیدی بر آن نداشتند.

پدیده کرونا، گسترش اقتصاد دیجیتال و چالش تراکنش‌ها که در چند سال گذشته از بحث‌های روز کشور خودمان نیز بود و سال گذشته، بانک مرکزی مستند مفصلی هم در این باره منتشر کرد، فرصت‌هایی جدی هستند که اگر مورد بهره‌برداری بانک مرکزی قرار بگیرد می‌تواند ایران را به کشوری پیشگام در این حوزه تبدیل کنند. انتظار می‌رود بانک مرکزی کشورمان با تمرکز بر طراحی مناسب و با افزایش سرعت گام برداشتن در رسیدن به اهدافش از فرصت‌هایی که وجود دارد نهایت استفاده را ببرد.

محمدرضا مانی یکتا

هنگامی که ادبیات موضوع را بررسی می‌کنیم به دو مفهوم پول دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) و رمزپول بانک مرکزی (CBCC) می‌رسیم. در دسته‌بندی ارائه شده در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ توسط بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS)، تأکید شد که یک CBCC صورت^۱ AccountBase دارد ولی یک CBCC کاملاً رمزی شده هستند. در سال ۲۰۱۸ صندوق بین‌المللی پول مقاله‌ای را منتشر و در آن دسته‌بندی BIS از پول بانک مرکزی را مقداری دقیق‌تر ارائه کرد. آنچه که صندوق بین‌المللی پول ارائه کرد تحت عنوان واحد پول دیجیتال بانک مرکزی بود ولی در دل این مقاله تأکید شده بود که پول دیجیتال بانک مرکزی دو گونه AccountBase و TokenBase^۲ دارند و دیگر مفهوم CBCC کم‌کم در متون تخصصی کنار رفت.

بنابراین از نظر فنی نمی‌توانیم شکلی از پول که امکان عملیات مبادله نفر به نفر را دارد ولی رمز شده نیست را متصور باشیم. در حال حاضر نیز هیچ فناوری‌ای را نمی‌شناسم که این امکان را در اختیار ما قرار دهد تا یک پول که توسط بانک مرکزی منتشر شده و تبدیل شده به توکن (Tokenize) نیست را بدون اعلام به یک نهاد واسط که حسابداری آن را انجام می‌دهد بتوانیم مبادله کنیم.

درست است که فعال شدن یک قرارداد هوشمند الزاماً نیازی به فناوری دفتر کل توزیع‌شده (Distributed Ledger Technology (DLT) ندارد اما هزینه اجرای قراردادهای هوشمند در فضای DLT به مراتب کمتر از فضای غیر توزیع‌شده است و چالش‌های بسیار کمتری دارد. نمونه آن هم توکن اتریوم (Ethereum) هست که در تمام دنیا تقریباً پذیرفته شده و مدل‌های تجاری مختلف بر روی آن در حال اجرا است.

بنابراین آنچه که بانک‌های مرکزی را مجبور به وارد شدن به این فضای پول دیجیتال کرده است چشم‌انداز ۵ تا ۱۰ ساله آینده است. اگر بانک‌های مرکزی ظرفیت اجرای قراردادهای هوشمند و نیازمندی‌های اقتصاد دیجیتال را تأمین نکنند بلافاصله در فضای رمزپول‌ها به این نیازها پاسخ داده می‌شود و این یعنی کشورها حاکمیت پولی خود را از دست می‌دهند. چالش اصلی این

۱. حساب محور
۲. توکن محور

پول دیجیتال ملی و سیاست‌گذاری در پول‌های دیجیتال

است که پول‌های ملی در مدل‌های نوین کسب‌وکار و در فضای فناوری‌های مالی و سایر مدل‌های فضای کسب‌وکار قابل استفاده باشد و کشورها تلاش می‌کنند که بتوانند به این ظرفیت پاسخ دهند.

بانک‌های مرکزی در انتشار پول دیجیتال اهداف متنوعی را مدنظر قرار می‌دهند. در صدر هدف‌های بانک مرکزی ما، ظرفیت‌سازی برای اقتصاد دیجیتال قرار دارد. ما همین حالا هم با پول دیجیتالی که توسط بانک‌ها منتشر شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد مواجه هستیم که ضریب فزاینده پولی‌ای به شدت مخرب دارد. استفاده از CBDC این امکان را به ما می‌دهد تا علاوه بر اینکه حاکمیت پولی را تا حدودی به بانک مرکزی برگردانیم و آن را احیا کنیم، یک ضریب فزاینده پولی مشابه اسکناس و مسکوک داشته باشیم و جنس مدیریت چالش‌های اقتصادی را تغییر دهیم.

بحث انواع بخشی به ابزارهای پرداخت خرد بسیار اهمیت دارد. در حال حاضر، هزینه تراکنش‌های شبکه پرداخت برای تراکنش‌های خرد ما بسیار بالاست که بعد از پاندمی کرونا بیشتر هم شده است. در همه جای دنیا از ابزار EMD³ برای رفع این مشکل استفاده می‌کنند و ۴۰ تا ۶۰ درصد از تراکنش‌های شبکه پرداخت کارتی‌شان را آفلاین انجام می‌دهند و ما اصلاً امکان توسعه ظرفیت‌های EMD و تجهیزات و کارت‌های EMD را بخاطر مشکلات تحریمی نداشتیم. فقط تصور کنید یک ساعت، شبکه شتاب ما قطع شود. غیر از فضای انتقال وجه کارتی که کل کشور از آن متاثر می‌شود، فضای خرید شبکه شاپرک ما هم دچار مشکل می‌شود. این‌ها نمونه‌ای از چالش‌هایی است که باید به آن پردازیم و به فکر راهکارهای جایگزین برای توسعه ابزارها و ظرفیت‌ها باشیم.

همچنین به بحث اعمال سیاست‌های پولی و افزایش ظرفیت‌های پولی از طرف بانک مرکزی با ورود رمزریال اشاره شد که اشاره درستی است. بالاخره باید بپذیریم که اثرات جنبی ورود این شکل از پول به اقتصاد این است که نیاز به نشر و توزیع اسکناس‌های جدید کمتر می‌شود و بدین ترتیب از هزینه زیاد چاپ اسکناس کاسته می‌شود.

بانک مرکزی هم در طول دو سال گذشته بی‌تحرک نبوده است و کارگروه‌های مختلفی را برای رصد فضای رمزپول‌ها و توسعه زیرساخت‌های نظارتی و پایش تراکنش‌های این فضا تشکیل داده است و این کارگروه‌ها تا جایی که ظرفیت فعلی قانون اجازه می‌دهد وظایف محوله را پیگیری می‌کنند.

سیدمهدی بنی‌طبا

CBDC از جهتی چیز جدیدی نیست، ما سال‌هاست که سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی که در تقسیم‌بندی یک نوع CBDC شمرده می‌شود را داشته‌ایم و از آن استفاده کرده‌ایم و در واقع از طریق بانک‌ها تجربه شده است. از جهتی هم خیلی اتفاق مهمی است و شاید آینده نظام بانکی را بتواند تغییر دهد و تبعات خیلی مهمی دارد.

با توجه به مطالعاتی که پژوهشگران کشورهای مختلف یا بانک‌های مرکزی یا نهادهای بین‌المللی انجام داده‌اند، اهداف متعددی می‌تواند از این طریق پیگیری شود و تبعات بسیار مهمی در خصوص اصلاح نظام بانکی دارد. بخش قابل توجهی از ادبیات موضوع به این پرداخته است که چگونه CBDC نظام بانکی را از این شکلی که هست تغییر دهد.

در مورد سیاست پولی اتفاقات مهمی در حال رخ دادن است. به ویژه در کشورهایی که به بن‌بست‌هایی در خصوص سیاست‌های پولی متعارف خورده‌اند به CBDC به عنوان روش جدید سیاست پولی فکر می‌کنند. برخی کشورها با استفاده از CBDC به دنبال جهانی کردن پولشان هستند. برخی با توجه به کم شدن سهم پول بانک مرکزی نسبت به پول رایج در دست مردم به دنبال پاسخی به این موضوع هستند. برخی به آن به عنوان ابزار نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها نگاه می‌کنند. علاوه بر اهداف، CBDC آثار جدی هم در حوزه‌های مختلف مانند ثبات مالی، سیاست پولی، رشد اقتصادی و نظام پرداخت خواهد داشت که این آثار بستگی به نوع طراحی CBDC و ویژگی‌های آن دارد.

راه چاره این وضعیت از نظر توبین (اقتصاددان برنده جایزه نوبل)، بیمه سپرده‌ها نیست بلکه عدم پذیرش پول بانک‌ها به عنوان پول است. سوال اساسی این است که چرا کسی که در نظام پرداخت می‌خواهد عملی را انجام دهد باید ریسک ورشکستگی بانک را تحمل کند و حالا ما بخواهیم برای آن چاره‌جویی کنیم و سپرده را بیمه نماییم؟ در واقع راه حل این موضوع، تفکیک نظام پرداخت از نظام تامین مالی است.

مطالعاتی انجام شده است که با توجه به پیشرفت فناوری بتوان از CBDC به عنوان یک پول که جایگزین پول سپرده‌ای باشد استفاده کرد و دیگر پول بانکی، سپرده‌ای نباشد. این مصداقی از ظرفیت‌های گسترده CBDC است. به نظر می‌رسد اتفاقی که در بانک مرکزی ما می‌افتد یک اتفاق حداقلی نسبت به CBDC است و علت را این می‌دانم که بخش فناوری بانک مرکزی پیش قراول این موضوع شده و بخش اقتصادی خیلی از آن عقب مانده است. همان طور که اشاره شد این موضوع بیشتر از آن که یک بحث فنی باشد یک مسئله اقتصادی است. یکی از سوال‌های مهمی که در زمینه اقتصادی وجود دارد این است که ما قرار است CBDC را جایگزین چه چیزی بکنیم؟ آیا قرار است CBDC جایگزین اسکناس شود یا سپرده بانکی؟ هر کدام از این اتفاق‌ها تبعات جدی دارد. یکی از تبعات مهم آن این است که اگر به واسطه یک شوک، تقاضا برای CBDC از کانال تبدیل سپرده بانکی به CBDC زیاد شود، واکنش چه باید باشد و این واکنش چه تبعاتی برای ثبات مالی دارد؟ من هیچ ردپایی در سند ارائه شده در مورد رمزریال بانک مرکزی درباره این اتفاق که می‌تواند شالوده نظام بانکی را به هم بریزد ندیدم. بانک مرکزی رمزریال را یک اسکناس معرفی می‌کند. این در حالی است که CBDC در واقع همان پول یا بدهی بانک مرکزی است نه اسکناس. البته حدس می‌زنم که علت استفاده از واژه اسکناس، محدودیت قانون پولی و بانکی باشد. ماده ۲ قانون پولی و بانکی می‌گوید که پول رایج کشور به صورت اسکناس یا سکه فلزی قابل انتشار است. اما سال‌هاست که از ذخیره بانک‌ها که پول هم هست استفاده می‌شود و در این قانون نیز نیامده است.

به نظر می‌رسد که سند مشکلات دیگری هم دارد. در جایی آمده است که بانک مرکزی می‌تواند برای رمزریال سقف مجاز تعیین کند. این سوال پیش می‌آید که آیا بانک مرکزی می‌خواهد مانع درخواست‌ها شود؟ به نظر نمی‌رسد که این مانع پاسخ مناسبی باشد.

من هم موافقم که تاکید بر رمزی بودن ضرورتی ندارد. حتی می‌توان معامله نفر با نفر نداشته باشیم. هرچند در سند مکانیزم انتقال مشخص نشده است. موضوع دیگر تاکید بانک مرکزی روی قراردادهای هوشمند است که عملاً یک نمایش از DLT را شاهد هستیم و با متمرکز بودن چندان فاصله‌ای ندارد. موضوع بعدی، گمنامی است. با وجود آن که در سند تصریح شده است که CBDC مبتنی بر احراز هویت اتفاق می‌افتد ولی ما باید ببینیم که چه انگیزه‌ای برای استفاده‌کنندگان لحاظ می‌کنیم که اسکناسی که گمنام است و استفاده‌های متعدد دارد و همین طور دیگر ابزارهای پرداخت گمنام که هم اکنون در اقتصاد وجود دارد را کنار بگذارند و در بستری که احراز هویت می‌شود فعالیت کنند. ما چرا باید امیدوار باشیم که این بستر مورد اقبال قرار گیرد؟

دکتر مهدی نوری

رویکردهای مختلفی برای سیاست‌گذاری رمزارزیها در ایران وجود دارد. رویکرد اول، رویکرد آزادی و رسمیت بخشی کامل بدون نظارت و تنظیم‌گری مناسب است. این رویکرد تبعاتی همچون به خطر افتادن حاکمیت پولی و بانکی کشور، افزایش کلاهبرداری‌ها در این حوزه، افزایش فعالیت‌های سوداگرانه در اقتصاد، خروج ارز از کشور و تهدید بازارهای مختلف داخلی و به طور مشخص بازار سرمایه کشور را می‌تواند داشته باشد.

رویکرد دوم، رویکرد سلبی و اعمال محدودیت‌های شدید است. این رویکرد موجب زیرزمینی شدن بسیاری از فعالیت‌ها در این حوزه، عدم استفاده از فرصت رمزارزها برای اقتصاد کشور، انتقال دارایی‌های دیجیتال به پلتفرم‌های خارجی، عدم نظارت بر داده و اطلاعات حاکمیت در این حوزه، افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد، مهاجرت نیروی انسانی نخبه و متخصص، عدم امکان استفاده از ظرفیت مناسب رمزارزها در شرایط تحریمی و افزایش تنش میان حاکمیت و مردم و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

رویکرد سوم، رویکرد تنظیم‌گری راهبردی با نقش فعالانه در نظارت است که شناسایی فعالین حوزه رمزارز و بلاکچین در کشور، کاهش ریسک‌های موجود برای اقتصاد کشور، امکان درآمدزایی برای دولت، امکان بهره‌مندی از فرصت‌های این فناوری، گسترش اکوسیستم بلاکچین به عنوان یکی از فناوری‌های نوظهور و اثرگذار در کشور، بهره‌گیری اقتصاد کشور در تسویه مبادلات بین‌المللی در شرایط تحریم با بانک مرکزی، استفاده از ویژگی‌های مرتبط با قرارداد هوشمند و توکنایز کردن دارایی‌ها در کشور از جمله پیامدهای مثبت آن است که این رویکرد را به رویکردی مناسب برای سیاست‌گذار بدل کرده است.

برخی از نکات و پیشنهادهایی را که باید در مواجهه با پدیده رمزارزیها و اتخاذ سیاست‌های مرتبط با آنها در نظر گرفت عبارتند از: توجه به تنوع و پیچیدگی رمزارزیها و عدم یکسان در نظر گرفتن آنها، داشتن نگاه راهبردی و آینده‌پژوهانه در این حوزه و رصد مشخص تحولات، پذیرش و فهم سیاست‌گذاران به تغییر در حکمرانی، جلوگیری از هرگونه اقدام سلبی و محدودیت شدید، عدم قانون‌گذاری و تنظیم‌گری غیرمنعطف، تدوین برنامه اقدام با توجه به شرایط، افزایش سطح دانش و آگاهی میان کارشناسان نهادهای مختلف و مردم، مشارکت با بخش خصوصی و فعالین حوزه تنظیم‌گری، توجه به KYC و KYT، به کارگیری تحلیل زنجیره، تقویت و ساماندهی پلتفرم‌های داخلی، تدوین استانداردهای امنیتی و ساختاری، تشویق به خودتنظیمی کسب و کارهای فعال، جلوگیری از پروژه‌های کلاه‌برداری، توجه به آثار سیاسی و اجتماعی در کنار آثار اقتصادی، ایجاد پول دیجیتال بانک مرکزی برای افزایش حاکمیت اقتصادی، ایجاد کوین مشترک میان کشورها برای تسویه بین‌المللی مبادلات کشور و در نهایت توجه به اعمال سیاست تا اعلام سیاست.